

عیسی مسیح که است؟

ما در ادامه نگاهی به القاب و توصیف هائی که از عیسی مسیح شده میاندازیم. در درس هفتم دیدیم که عیسی، مسیحا یا مسیح و پسر خداوند نیز خوانده میشود. در اینجا نظری به اسامی دیگر او خواهیم داشت.

پ. پسر انسان

این کلمه فقط یک بار در انجیل عهد عتیق، دانیال ۱۳،۷ آمده است. این نسبت بعدها، لقبی برای مسیح موعود خوانده شد. در کتب عصر جدید، اصطلاح پسر انسان، اصطلاحی است، که عیسی غالباً در مورد خود استفاده می‌کند، این اصطلاح در همه انجیل‌ها آمده است (و یک بار در اعمال رسولان ۵۶،۷). عیسی این اصطلاح را به صورتی ماهرانه استفاده می‌کند، چرا که او هرگز خود را به وضوح با پسر انسان یکی ندانست.

وقتی عیسی این اصطلاح را استفاده کرد، مشخص نبود که، آیا عیسی در مورد خودش صحبت می‌کرده یا شخص دیگری. در کتب عصر جدید، هیچ شکی وجود ندارد که "پسر انسان" عنوانی برای مسیح موعود است، و همچنین "پسر انسان" در دانیال همانند پیش بینی در مورد مسیح موعود تفسیر شده. (انجیل متی ۳۰،۲۴ را با دانیال ۱۳،۷ مقایسه کنید.)

اصطلاح "پسر انسان" توسط عیسی مسیح استفاده شد، وقتی او:

- در مورد وظیفه و سرنوشت خود صحبت می‌کرد (متی. ۱۱،۱۸ "چرا که پسرانسان آمده است که گناهکاران را، به رستگاری هدایت کند.

مرقس ۳۳،۱۰ "بین، وقتی ما به اورشلیم رسیدیم، پسر انسان به دست کشیشان اعظم و کاهنان اعظم سپرده خواهد شد، و آن‌ها او را به مرگ محکوم خواهند کرد، و به دست رومیها خواهند سپرد، تا او را بکشند."

- در مورد تجلیل و دوباره آمدن خود صحبت می‌کند، متی ۳۱،۲۵ "هنگامی که پسر انسان با شکوه و جلال به همراه فرشتگان باز می‌گردد، در این هنگام او بر تخت پر جبروت خود خواهد نشست." در تاریخ کلیسا "پسر انسان" به این شکل فهمیده شده، که عیسی حقیقتاً پسر انسان بوده. این به لغب تکمّل کننده اصطلاح "پسر خداوند" است. این دو مفهوم به طور کلی بیان کننده شخصیت عیسی مسیح است.

ت. کلمه

در کتب عصر جدید سه معنا برای فهمیدن "کلمه" وجود دارد.

جدا از معنای لغوی خود کلمه، "کلمه" در مورد سخن گفتن عیسی استفاده میشود -

موعظه عیسی در مورد مسیح (لوقا ۲۸،۱۱) و همینطور در مورد خود او، بعنوان شخص عیسی مسیح. آخرین استفاده از کلمه را در مقدمه انجیل یوحنا می‌یابیم.

(یوحنا ۱، ۱-۱۸) در اینجا سه چیز در مورد "کلمه" گفته میشود:

- کلمه خداوند است (یوحنا ۱، ۱) : "از ازل کلمه بود، کلمه نزد خداوند بود و کلمه خود خداوند بود."

- کلمه در آفرینش نقش ایفا کرد (یوحنا ۱، ۴-۲) : "او در آغاز نزد خداوند بود. همه چیز به وسیله کلمه به وجود آمد، و بدون کلمه هیچ چیزی از آنچه ما امروز می‌بینیم وجود نداشت."

- کلمه به انسان تبدیل شد. انسانی از گوشت و خون. درک ما از واژه "کلمه" در زبان دانمارکی مساوی است با "inkarnation"، که به معنای "متولد شده از گوشت و خون" است (یوحنا ۱۴،۱)

ث. سرور

اصطلاح "سرور" در انجیل هم در مورد انسان‌ها و هم در مورد خداوند استفاده میشود. لیکن والاترین سرور خداوند است.

واژه سرور غالباً در کتاب عهد عتیق استفاده میشود. در کتب عصر جدید این واژه بیشتر در مورد عیسی استفاده میشود.

این واژه هم در مقام ادای احترام، و هم به عنوان اقرار کردن به اینکه او حقیقتاً خداوند است.

این اقرار اغلب در رابطه با رستاخیز عیسی از میان مردگان استفاده میشود.

توماس یکی از شاگردان عیسی، که باور نداشت، وقتی دیگر شاگردان به او گفتند که عیسی به زندگی باز گشته است، و آن‌ها او را ملاقات کرده اند. توماس پس از اینکه مسیح را با چشمان خود دید و زخم دستهای عسی را که بدلیل میخهای صلیب بوجود آمده بود، لمس کرد، گفت: "سرورم و خداوند من" (یوحنا ۲۰،۲۸). در آغاز برای کلیساها واژه سرور مهم و بیانگر آن بود که عیسی مسیح چه کسی است.

یکی از اقرارهای مهم و اولیه مسیحیت این بود که: "عیسی مسیح سرور است" (۱. قرن‌تین. ۳،۱۲).

ج. خدمتگزار:

عیسی درک عموم را در مورد خدمتگزار بودن را تغییر داد. زمانی بود که خدمتگزاران پایین‌ترین مقام‌ها را داشتند، بردگانی که مطیع خواسته و امیال اربابان خود بودند.

عیسی نقش خدمتگزار را با جان و دل پذیرفت و بدین شکل ارزش خدمتگزاری را بالا برد. تلاش برای به قدرت رسیدن (قدرت برای سرکوب کردن دیگران)، ارزش خود را از دست داد. در مقابل او به خدمتگزاری در مثال‌های ذیل اشاره می‌کند.

داستان شستشو دادن پای عیسی را را بخوانید. (یوحنا ۱۳، ۱۷-۱)، هنگامی که او با یک مثال نشان میدهد که حواریون چگونه باید زندگی کنند، اگر میخواهند دنباله رو او باشند.

در یک مثال دیگر در انجیل متی ۲۰، ۲۸-۲۰ میتوان خواند که عیسی به حواریون می‌آموزد که، نحوه استفاده از قدرت و مقام در میان آن‌ها، نبایستی مانند قدرت نمایی کردن حکام دنیوی باشد.

انهایی که انسان‌ها را سرکوب و از قدرتشان سواستفاده میکنند.

حواریون باید دقیقاً بر عکس این کار را انجام بدهند.

" آنکه، می‌خواهد در جمع شما بزرگ باشد، باید خدمتگزار دیگران باشد،

و آنکه که می‌خواهد اولین در جمع شما باشد، باید برده دیگران باشد،

درست مثل اینکه پسر انسان نیامده است که به او خدمت بشود، بلکه آمده است تا خدمت کند.

و زندگی خود را در راه بسیاری فدا کند."

پولس نیز، تأکید بر این می‌کند و در نامه ای به مردم در فیلیپیان می‌نویسد (فیلیپیان ۲، ۱۱-۱)

"اگر دلداری دادن در نام مسیح برای شما اهمیتی دارد، اگر تشویق مهر آمیز، روحیه مشارکت و حس درونی

همدردی اهمیتی داشت، پس شادی مرا کامل کنید

با داشتن روح یکپارچه، محبت آمیز و فداکارانه،

هیچ کاری را از روی گول زدن خود و خودخواهی و انجام ندهید،

بلکه دیگران را با فروتنی در جایگاهی بالاتر از خود قرار دهید.

تنها به دارائی خود نیندیشید، بلکه به مالکیت دیگران هم احترام بگذارید.

شما بایستی همان اندیشه نیکی را نسبت به یکدیگر داشته باشید که عیسی مسیح نسبت به شما دارد،

او، که تصویری از خداوند بود،
به این دلیل متکبر نبود
بدلیل یکسان بودنش با خداوند
ولی از این همسان بودن چشم پوشی کرد،
به صورت یک خدمتگذار در آمد،
و در جسم انسان ظاهر شد؛
و هنگامی که همانند انسان‌ها ظاهر شد،
فروتن بود.
و تا هنگام مرگ مطیع بود،
بلی، مرگ بر صلیب.
به همین دلیل خداوند او را عظمت و جلال بخشیده است
و نام او را بالا تر همه نامها قرار داده است.
چرا که به نام عیسی
همهٔ زانوها بایستی خم گردند،
در آسمان و بر زمین و زیر زمین،
و همهٔ زبان‌ها به اعتراف بگویند که:
عیسی مسیح سرور ماست،
به افتخار و عزت خداوند پدر.
در اینجا کرامت عیسی توصیف میشود،
اینکه او از ارزش و مقام فاصله می‌گیرد، و اگر چه او شایسته
پادشاهی است، خود را خادم همگان می‌کند.

پیام عیسی

عیسی هم گفتار، هم کردار بود.

کردار

او کردار بود، وقتی در میان انسان‌ها قدم بر میداشت و اعمال صالح انجام میداد. او هم نشین کسانی بود، که هیچ
کسی خواهان همنشینی با آنان نبود (چرا که گفته میشد که آنان نجس و پست هستند.) او کردار بود وقتی مریضان را
شفا میداد، و او کردار بود، وقتی به صلیب کشیده شد و از مرگ به زندگی بازگشت.

گفتار عیسی

او گفتار بود، زمانی که داستان‌هایی در مورد خداوند برای انسان‌ها میگفت، که خداوند را در سطح فهم و درک
انسان‌ها پایین می‌آورد.
او سخنرانی میکرد، و با هرکس مستقیماً صحبت میکرد. آنچه عیسی ۲۰۰۰ سال پیش به حواریون،
فریسیان و هر آنکه او را ملاقات نمود، گفت، به وسیله کاتبان انجیل نوشته شد، و به همین دلیل ما نیز امروز سعادت
برخورداری از آن را داریم.
مسیحیت هم گفتار و هم کردار است. عیسی، گفتار، و کردار هر سه با هم ارتباط بسیار نزدیکی دارند و جدا ناپذیرند.
تدبیر کاملاً جدید.

چرا خداوند انسان شد؟ خدا بر روی زمین چه می‌کرد؟

نگرانی او چه بود؟

مطلبی که مسیحیان به آن ایمان دارند این است که، خداوند به توسط عیسی، تدبیری کاملاً جدید برای انسان اندیشید.
رابطه بین انسانها با یکدیگر و خداوند با انسان، برزمینه و پایهٔ جدیدی استوار شد: عشق و محبت!

عیسی برای مردم سخن میگوید:

۱. ملکوت خداوند نزدیک تر شده است!

ملکوت خداوند به عنوان جایی که خواسته خداوند در آن اتفاق می‌افتد، تعریف شده است. این به این معنا است که:

- نیروهای ملکوت خداوند در جهان وجود دارند. (مریضان شفا داده میشوند، شیاطین اخراج میشوند، و چیزهای خوب برای فقرا به ارمغان آورده میشود. به طور مثال در متی ۱۰، ۷ ف ف)
 - خود عیسی مسیح جزئی از فوران ملکوت خداوند است، که به خصوص به هنگام زجر، مرگ و رستاخیز او ظاهر میشود.
 - انسان‌ها خود قادر به خلق پادشاهی خداوند بر زمین نیستند. این از سوی خداوند داده شده است. (به طور مثال متی. ۱۰، ۶ را ببین)
 - پادشاهی خدا یک هدیه است، ولی انسان قادر به جستجو به دنبال آن است. (به طور مثال متی. ۳۳، ۶ را ببین)
 - پادشاهی خداوند را میتوان به صورت اجمالی در جهان تجربه کرد، ولی نمیتوان آن را به طور کامل در این جهان تجربه کرد. اما این اتفاق در پایان زمان ها، وقتی عیسی مسیح بازمی‌گردد، می‌افتد. ملکوت خداوند هم حال حاضر و هم آینده است. (به طور مثال لوقا ۱۷، ۲۰ ف ف)
۲. محبت کردن و عشق شدید به یکدیگر.

- فرمان عشق دو گانه: تو بایستی که به پروردگارت، با تمام قلبت، روحت، و ذهنت عشق بورزی، و همنوع خود را مانند دوست دوست بداری و محبت کنی. (متی ۲۲، ۳۷-۴۰)
- اگر کسی به گونه تو سیلی زد، گونه دیگر خود را جلو آور. (متی ۳۹، ۵)
- تو باید به دشمن خود عشق بورزی. (متی ۵، ۴۸-۴۳)

۳. گذشت کردن

- بخشش خداوند به وسیله شخص عیسی، گفتار و کردار او به واقعیت می‌پیوندد.
- اگر کسی به عیسی به عنوان پسر خدا ایمان داشته باشد، در بخشش خداوند سهم خواهد داشت. (به طور مثال لوقا ۷، ۴۹-۴۸ و ۱۹، ۱۰-۱). همانطور که در مراسم عشا ربّانی ما در بدن و خون عیسی سهیم می‌شویم، که به رهایی ما از گناهان میانجامد (به طور مثال ۱. قرنتیان ۱۱، ۱۷ ف ف)
- مرگ و رستاخیز عیسی به معنای رهایی از گناهان برای کسی است، که ایمان آورده است. (به طور مثل ۱. یوحنا ۲، ۱۲)
- ارتباطی میان بخشش خداوند و گذشت انسان‌ها وجود دارد. (به طور مثال داستان خادم بی رحم، متی ۱۸، ۳۵-۲۱)

گناه چیزی است، که انسان را از خداوند جدا می‌کند. همه انسان‌ها گناه کرده اند و گناه کارند و خود قادر به تصحیح آن نیستند. عیسی بر روی زمین آمد که بر گناه و مرگ پیروز شود، به این معنا که؛ اجتماع و دوستی بین خداوند و انسان را احیا کند. گناه به طور کلی، وقتی اتفاق می‌افتد، که انسان به خود نزدیک تر از همیشه است. برای همه انسان‌ها گناه کردن جز شرایط اولیه و آدی است. و برای خداوند همه انسان‌ها به یک اندازه گناهکار، و یک اندازه مورد عشق قرار گرفته هستند.

۴. پیروی کردن - دنباله روی کردن از عیسی

عیسی حواریون را به دنباله روی از خود دعوت کرد. در کلمه " پیروی" معنای بیشتری از، رهایی کردن شغل، خانه و کاشانه، همراهی حواریون با عیسی نهفته است.

زندگی را وقف پیروی کردن، به این معنای انتخاب زندگی در ارتباط نزدیک با عیسی و حواریون، و پذیرفتن یک زندگی همراه با عیسی مسیح به عنوان یک الگوی ایده آل و شریک کردن او در زندگی و سرنوشت خود. شریک شدن در زندگی و سرنوشت او.

بدین ترتیب درد و رنج، بخشی از زندگی است وقتی که پیرو او هستیم.

زندگی کردن مانند یک مسیحی، به طور کلی زندگی کردن در پیروی از عیسی مسیح است.

۵. چشم پوشی از مقام و موقعیت

عیسی درک ما را از فقیر بودن و و ثروتمند بودن معکوس کرد، او همچنین به ما آموخت که غذا یا چیزی که از بیرون وارد بدن ما میشود، ما را نجس نمیکند. مهم این نیست، که کجا زندگی می‌کنیم، فقیر هستیم یا پولدار، مریض یا سالم، پیر یا جوان، زیبا یا زشت. نکته مهم این است که ما چه رابطه‌ای با خداوند و هموعان خود داریم. این رابطه، چیزی است که نیکو بودن و یا بد بودن ما را مشخص میکنند.

مثال‌های خود عیسی را ببینید:

- عیسی در یک اصطبل متولد شد. (لوقا ۲،۱ ف ف)
- عیسی به قدرت دنیوی دست رد می‌زند. (لوقا ۴، ۱ ف ف)
- داستان قرار گرفتن در کنار میز: هر آنکه خود را والاتر میداند، باید فروتن شود، و هر آنکه فروتن است، باید تمجید شود (لوقا ۱۴، ۱۱)
- شما بایستی همانند کودکان شوید (متی ۱۸، ۳ ف ف)
- ظهور در اورشلیم: عیسی سوار بر الاغ می‌آید (لوقا ۱۹، ۲۸ ف ف)
- ستیزه و مبارزه برای بزرگترین بودن (لوقا ۲۲، ۲۴ ف ف)